

اخبار
آغاز اکران ۲ فیلم جدید از ۵شهر یور ماه دو فیلم سینمایی «تابستان همان سال» ساخته محمود کلاری و «ناجورها» به کارگردانی محمّدحسین فرحبخش از پنجم شهریورماه اکران می‌شود. به گزارش ایسنا، هشتمین جلسه شورای صنفی نمایش روز یکشنبه ۲۶ شهریورماه در خانه سینما برگزار و درباره زمان اکران چند فیلم تصمیم‌گیری شده‌است. طبق اعلام روابط عمومی خانه سینما مصوبات جدید شورای صنفی نمایش در این جلسه با حضور مرتضی شایسته (نماینده انجمن پخش‌کنندگان)، محمدرضا صابری و مجتبی بهزادیان (نمایندگان انجمن سینماداران)، مهدی کرهمپور (دبیر شورای صنفی نمایشو نماینده تهیه‌کنندگان)، اصغر نعیمی (نماینده کانون کارگردانان)، مجتبی شریعت (نماینده سامانه سمفا) و نماینده سازمان سینمایی به این ترتیب است که فیلم «ملکه آلیشون» پس از پایان اکران فیلم «ناتوردشت» به سرگروهی پردیس سینمایی هویزه و با پخش دفتر راه عرفان روی پرده می‌رود. همچنین فیلم سینمایی «تابستان همان سال» از تاریخ پنجم شهریو به سرگروهی پردیس سینمایی آزادی با پخش فیلمبران اکران خواهد شد. انیمیشن «یوز» پس از پایان اکران فیلم «تابستان همان سال» نیز به سرگروهی پردیس سینمایی آزادی و با پخش بهمن سبز به نمایش درخواهد آمد. در این گزارش آمده است، طبق پیگیری‌های شورای صنفی نمایش از انجمن سینماداران، بدهی سینماهای بدهکار به دفاتر پخش پرداخت شد. همچنین شورای صنفی نمایش اعلام کرد، دفاتر پخش فیلم که مطالبات معوق شده دارند، می‌توانند از طریق این شورا پیگیری کنند. بر اساس دیگر مصوبات این جلسه، فیلم‌های «ناجورها» و «تابستان همان سال» از تاریخ ۵ شهریور در سینماهای سراسر کشور اکران عمومی خواهند داشت. فیلم «ناتور دشت» محمدرضا خردمندان پس از فیلم «آتچا همان ساعت» در سرگروهی هویزه، روی پرده خواهد رفت. فیلم کمدی «بیگ کارتون» به کارگردانی محمّدحسین فرحبخش پس از فیلم «غیبت موجه» در سرگروهی پردیس سینمایی ملت با پخش پارسا فیلم اکران خواهد شد.

«بر فراز ابرها» به «بیگ کارتون» رسید



انیمیشن «بر فراز ابرها» ساخته مهدی برق‌زداگان در بخش مسابقه جشنواره «بیگ کارتون» روسیه نمایش داده می‌شود.

به گزارش برنا؛ فیلم انیمیشن «بر فراز ابرها» ساخته مهدی برق‌زداگان به بخش مسابقه رسمی فیلم های کوتاه نوزدهمین دوره جشنواره بین المللی بیگ کارتون روسیه راه پیدا کرد.

این جشنواره به صورت حضوری و آنلاین برگزار می‌شود.

«بر فراز ابرها» پیشتر در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان برنده پروانه زرین بهترین پویانمایی شده، این دوره از جشنواره «بیگ کارتون» از دوم تا چهاردهم آبان در مسکو و به صورت آنلاین از ۱۶ تا ۲۵ آبان برگزار می‌شود.

«بیگ کارتون» بزرگترین جشنواره سالانه انیمیشن در روسیه است. انیمیشن کوتاه «بر فراز ابرها» توسط بخش بین‌الملل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی برای جشنواره ارسال شده است.

ترند شدن چای ماچا در ایران فقط یک ذائقه تازه نیست، بلکه نمونه‌ای روشن از چگونگی شکل‌گیری موج‌های فرهنگی در فضای عمومی است. با این حال، واکنش کارشناس مهمان تلویزیون که توصیه کرد «اصلاً نباید درباره‌اش صحبت کرد» فراتر از یک جمله، بازتاب‌الگویی قدیمی است که گمان می‌کند سکوت رسانه‌ای و محدود کردن بحث، می‌تواند جلوی گسترش یک پدیده را بگیرد. الگویی که در عصر شبکه‌های اجتماعی ناکارآمد است و نقش کارشناسان در آگاه‌سازی مخاطب را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به گزارش ایسنا، اخیراً در یکی از برنامه‌های تلویزیونی، مجری از کارشناس حاضر پرسید چرا این روزها علاقه مردم به نوشیدنی «ماچا» افزایش یافته و تقاضا برای آن در کافه‌ها بیشتر شده است؟ پاسخ کارشناس اما جنجالی و متفاوت بود: «ن باید درباره این موضوع صحبت کرد، چون همین گفت‌وگو باعث ترویج آن می‌شود.» جمله‌ای که البته با مخالفت مختصر مجری همراه شد، اما بیش از آنکه به موضوع یک نوشیدنی ترند شده محدود باشد، بازتابی از یک دیدگاه قدیمی و تاریخ مصرف گذشته بود: الگویی که می‌گوید اگر از چیزی حرف نزنیم، مردم متوجه آن نخواهند شد و به آن گرایش پیدا نمی‌کنند. اما «ماچا» چیست و چرا به‌زعم برخی افراد از جمله کارشناس این برنامه تلویزیونی، اگر از آن حرف نزنیم دیگر کسی سراغش نمی‌رود؟

«ماچا» چه بود و چه کرد؟!

«ماچا» پودری سبزرنگ است که از برگ‌های چای سبز ژاپنی تهیه می‌شود و سابقه‌ای طولانی در فرهنگ چای شرق آسیا دارد و از دهه‌ها پیش در مراسم سنتی ژاپنی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در سال‌های اخیر، با رشد توجه به سبک زندگی سالم و نوشیدنی‌های کم‌کالری، این نوشیدنی در بسیاری از کشورهای جهان

آلفرد نوبل، شیمیدان سوئدی قبل‌تر از اینکه اسمش با جوایز حوزه شیمی، ادبیات و صلح شناخته شود به خاطر اختراعاتش از جمله دینامیت در جهان سر زبان‌ها افتاد. مردی که به خاطر ساخت این وسیله بعدها دچار عذاب وجدان شد و به دنبال آن برای جبران خسارت‌هایی که دینامیت در جنگ به ملت‌های جهان وارد کرده تصمیم گرفت که برای جایزه صلح نوبل وصیت کند تا به قول خودش با این کار افراد و سازمان‌هایی که برای صلح و پایان یافتن جنگ‌های بشر تلاش می‌کنند مورد تشویق قرار بگیرند.

به گزارش مهر، کسی که می‌گویند دوست داشت تا میراث خودش را به جای ابزاری برای ویرانی در جهت صلح و آشتی در دنیا خرج کند. اما حالا با گذشت این همه سال از مرگ این شیمیدان سوئدی طی دهه‌های اخیر نامزدها و برندگان صلح نوبل به قدری عجیب و غریب‌اند که می‌شود گفت سیاستمداران دنیا با وقاحت تمام این جایزه را به سخره گرفته‌اند؛ چون کسانی در این فهرست قرار گرفته‌اند که اقدامات عجیب و غریبشان در دنیا بیشتر از صلح و دوستی جنگ و کشتار را برای مردم به ارمغان آورده است. حالا بعد از توافق‌نامه عجیب آذربایجان و ارمنستان با دخالت آمریکا سیاستمداران این دو کشور طی یک اظهار نظر عجیب اعلام کردند که ترامپ شایسته جایزه صلح نوبل است. حرف خنده‌داری که شاید عجیب باشد اما تکراری نیست چون در تمام این سال‌ها این جایزه برندگان و نامزدهایی داشته که هیچ چوره بویی از صلح و مهربانی نبرده‌اند. افرادی که با نزدیک شدن به جایزه صلح نوبل یاد کردن از آنها اعتبار این جایزه را در افکار عمومی بیش از پیش زیر سوال می‌برد.

نازی برای نوبل؛

قطعاً هیتلر شناخته شده‌ترین دیکتاتور جهان در همه دنیا به شمار می‌رود. مردی که با حزب نازی آتش جنگ جهانی دوم را به پا کرد؛ اما در کمال ناباوری او در فهرست نامزدهای جایزه صلح نوبل قرار گرفت. در سال ۱۹۳۹ نماینده پارلمان سوئد او را در اعتراض به سیاست‌های بریتانیا و فرانسه به عنوان نامزد صلح نوبل اعلام کرد. این نماینده بعدها اعلام کرد که این کار را برای شوخی انجام داده و کمیته صلح نوبل هم سرانجام هیتلر را رد کرد.

جوزف استالین؛ رسیدن به صلح با فرمان کشتار

بعد از هیتلر استالین به عنوان یکی از خشن‌ترین رهبرهای سیاسی دنیا شناخته می‌شود. یک سرکرده تالشش برای سرکوب کردن نازی‌ها در جنگ

فیلم مرد عینکی را ببینیم یا نه؟

فیلم مرد عینکی روی هم رفته به مراتب از فسیل هم عقب‌تر ایستاده است.

کریم امینی بعد از موفقیت «تجاری» با فیلم «فسیل»، این بار با فیلم «مرد عینکی» به سینما برگشته. او در آخرین تجربه سینمایی‌اش نیز با بهرام افشاری به عنوان بازیگر همکاری کرده است.

به گزارش فرارو، امینی که پیش از این با ساخت فیلم‌هایی مانند «فسیل»، «شهر هرت» و «دشمن زن» مسیر کاری‌اش را مشخص کرده بود، این بار هم با ساخت مرد عینکی، همان مسیر همیشگی را طی می‌کند.

خلاصه داستان

فسیل داستان مردی به نام حلیم رایگان را روایت می‌کند که مسئول تمیزکردن سرویس بهداشتی پارک است. حلیم بعد از گرفتن پول از مردم بابت استفاده از دستشویی از محل کارش اخراج می‌شود. در ادامه، کلیپ داد و فریادهای حلیم در نتیجه اجراجش از کار در فضای مجازی منتشر شده و این مسئله باعث می‌شود که پلیس او را دستگیر کند. در زندان حلیم متوجه می‌شود که به دلیل شباهت به یک تروریست تحت تعقیب پنتاگون است و...

فیلم‌نامه

فیلم‌نامه مرد عینکی را حمزه صالحی نوشته است. صالحی پیشتر از این نیز فیلم‌نامه فسیل را نوشته بود. با این تفاسیر عجیب نیست وقتی در فیلم‌نامه مرد عینکی هم با همان ایرادات بزرگی مواجهیم که در فسیل مواجه بودیم.

در هر دوی این فیلم‌ها به جای داستان با موقعیت‌هایی پاره‌پاره و نامرتب‌بط طریق هم صرفاً برای اینکه بامزه باشند در فیلم قرار گرفته‌اند. به شکل کلی فیلم‌نامه برآمده از چندین «ویدئوکلیپ» مجزاست که با نخ ضعیف پلات کلی فیلم به هم متصل شده‌اند. خبری از شخصیت نیست. خبری از تیپ‌های جدید هم نیست. در نهایت به جای شخصیت با چند تیپ تکراری مواجهیم که علاوه بر دیگر آثار کریم امینی، در هزاران فیلم کمدی دیگر هم دیده‌ایم. خرده‌پیرنگ‌ها به سرانجام نمی‌رسند و اصلاً مشخص نیست که این خرده پیرنگ‌ها دقیقاً وسط فیلم چه کار می‌کنند. دیالوگ‌های فیلم هم حرفی برای زدن ندارند. کافی است به

برندگان عجیب و غریب جایزه صلح نوبل

جایزه صلح برای جنگ‌طلبان؟

جایزه جهانی صلح نوبل که با نیت گسترش صلح در جهان برپا شده است طی دهه‌های مختلف نامزدهایی داشته که دستشان به خون آلوده بوده و بویی از صلح نبرده‌اند.



جوکی به نام جایزه صلح نوبل ترامپ!

ترامپ پیش از این در سال ۲۰۲۰ توسط نماینده نژوُ به عنوان نامزد صلح نوبل معرفی شد. بعد از اینکه زمره‌های نامزدی نتانیاهو برای نوبل اعلام شد بعدها خیلی‌ها معتقد بودند که عجیب‌تر از این اتفاق این است که نتانیاهو برای سال ۲۰۲۵ ترامپ را برای جایزه صلح نوبل نامزد اعلام کرده است. این در حالی است که کشتار غزه در همه دنیا صدای آزادی خواهان جهان را بلند کرده و حالا قرار است

که ترامپ را به عنوان منادی صلح معرفی کنند. کسی که تحریم‌های ایران را زیاد کرد، خلاف تعهدات بین‌المللی برجام را پاره کرد، با سیاست‌های عجیب مهاجرتی هزاران کودک را از والدینشان جدا کرد، سردار سلیمانی را ترور کرد، به خاک ایران حمله و تا مدتها مانع ورود مسلمانان به آمریکا می‌شد.

آنگ سان سو چی؛ مسلمان‌کشی با جایزه صلح

نوبل

احتمالاً چند سال پیش در رسانه‌ها نام روهینگیا و

حالا با گذشت
این همه سال
از مرگ این
شیمیلان
سوئدی طی
دهه‌های
اخیر نامزدها
و برندگان
صلح نوبل به
قدری عجیب
و غریب‌اند که
می‌شود گفت
سیاستمداران
دنیا با وقاحت
تمام این جایزه
را به سخره
گرفته‌اند

کشتار آن به گوشتان خورده است.
اتفاقی که از آن به عنوان یکی از بزرگترین بحران‌های حقوق بشری قرن ۲۱ یاد می‌شود وقتی که دولت میانمار تصمیم و اعتراضات آنان در واکنش به سال‌ها تبعیض را با کشتار، تجاوز و سوزاندن روستاها و آوارگی میلیونی آنها پاسخ دهند.
جالب اینجاست که در این دوران رهبری میانمار به دست آنگ سان سو چی بود؛ کسی که در سال ۱۹۹۱ موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شده بود.

شیمون پرز، صلح نوبل و کشتار فلسطین

او به عنوان وزیر دفاع و نخست وزیر رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۴ به همراه اسحاق رابین نخست وزیر وقت این رژیم نه فقط نامزد بلکه برنده جایزه صلح نوبل شد. این در حالی بود که او در کشته‌شدن مردم فلسطین طی سال‌ها نقش پررنگی داشت که از معروف‌ترین آنها حمله به قانا و سرکوب انتفاضه اول بود.

کارگردانی

کارگردانی فیلم هم از سطح ویدئوکلیپ‌های عروسی فراتر نمی‌رود. در واقع باید بگویم که دوربین فیلمبردار، صرفاً وقایع را ثبت می‌کند؛ همین و همین. دوربین هیچ نقش مهم‌تری در طول فیلم ندارد. این مسئله برای ثبت خاطرات یک مسافرت خانوادگی جذاب به نظر می‌رسد، اما وقتی ما با کارگردانی طریقم که برغرفوش‌ترین فیلم تاریخ سینمای مملکتی را ساخته، انتظار داریم که دوربینش را بشناسد و لاقال در بخش‌هایی از فیلم احساس کنیم که دوربین در طول ضبط فیلم، کاری به جز روشن و خاموش‌شدن هم انجام داده است.

در مورد میزانشن‌ها و بازی بازیگرها هم مسئله همین است. چه چیزی بیشتر از فسیل در این فیلم وجود دارد؟ بهرام افشاری همان بهرام افشاری‌ای است که در فسیل هم بود. فیلم قرار است از یک انسان درماتده دفاع بکند یا اینکه از فقر و درماندگی به نفع ساختن موقعیت‌های کمدی استفاده کند؟ کدام یکی از شوخی‌های فیلم از حد و حدود شوخی‌های معمول جامعه که سر صف ناوانی‌های می‌شنویم فراتر می‌روند؟

بازیگری

به نظر می‌رسد که ازدیاد این نوع از فیلم‌ها در کارنامه افرادی مثل بهرام افشاری و... باید زنگ خطری باشد که جدی گرفته می‌شود. افشاری بازیگر نسبتاً توانایی است و با غرق‌شدن در این سبک از فیلم‌ها بیشتر از پیش روند بازیگری‌اش را مورد خدشه قرار می‌دهد. بازیگری که سال‌ها روی صحنه تئاتر بوده، احتمالاً باید فرق بین خوب و بد را بداند. به هر حال گویا چاره‌ای نیست. وقتی هنرمند پیشکسوتی مثل مهدی هاشمی که پیشتر از این حضور در کنار بهرام بیضایی را تجربه کرده است، حالا در چنین فیلمی تن به ساخت یک تیپ تکراری می‌دهد، چندان توقعی از جوان‌ترها نیست.

فیلم مرد عینکی را ببینیم؟

روی هم رفته، دیدن فیلم مرد عینکی هم مثل فیلم فسیل تجربه سینمایی مهمی نخواهد بود. کریم امینی در این فیلم علاوه بر اینکه قدمی رو به جلو برنداشته، نسبت به فسیل هم کمی عقب‌تر ایستاده است و مرد عینکی حتی در حد فسیل هم نیست.

فرهنگ و هنر

خبر

چه کسی پاسخ ناامیدی ما را می‌دهد؟

پوران در خشنده: ۹ سال آماده ساخت فیلم بودم اما...



پوران درخشنده با انتقاد از وضعیت سینمای کودک و مشکلات موجود در تولید فیلم گفت: من ۹ سال آماده ساخت فیلم بودم ولی مجوز آن را نگرفتم و حالا در این شرایط مثل خیلی‌های دیگر به بی‌انگیزگی رسیده‌ام. آیا کسی برای ناامیدی ما و این وضعیت بی‌ثابت پاسخی دارد؟

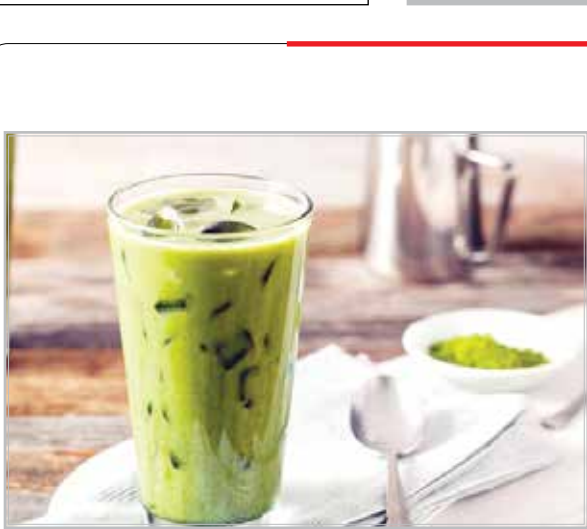
کارگردان فیلم‌های «برنده کوچک خوشبختی»، «بچه‌های ابدی» و «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» که چند سال است در انتظار گرفتن پروانه ساخت

فیلم «هیس پسرها گریه نمی‌کنند» به سرمی‌برد، به تازگی جایزه یک عمر دستاورد هنری را از بنیاد نلسون ماندلا گرفته؛ جایزه‌ای که این فیلمساز پس از سال‌ها فعالیت در سینمای کودک و نوجوان دریافت کرده و آن را بسیار ارزشمند می‌داند چرا که معتقد است نلسون ماندلا تلاش زیادی را برای کودکان سرزمینش و آینده کشورش انجام داد و او چیزهای زیادی از جمله بخشش و دوری از جنگ و گریز را از این سیاستمدار نامی آموخته است. درخشنده که تأکید دارد در تمام سال‌های فعالیت‌ش برای جامعه ایرانی و با هدف آگاهی‌بخشی، بخصوص برای پچه‌ها کار کرده، در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: بچه‌ها آینده هر کشور هستند و اگر آن‌ها با انسانیت، بخشش و مهر، بزرگ و تربیت شوند، طبیعتاً آینده آرامش‌بخش‌تری خواهند داشت و ارزش این جایزه بخاطر همین مسائل برای من بیشتر است؛ منتها در این سال‌ها با وجود تلاش‌ها، نتوانستم آنچه را می‌خواستم انجام دهم.

او با اشاره به برخی خیریهایی که در یک سال اخیر از آزارهای جسمی و جنسی کودکان در مدارس و به طور مشخص در یک مدرسه پسرانه توسط ناظم آنجا منتشر شده بود، ادامه داد: هر بار که این خبرها را خواندم حالم به شدت بد شد و از خود پرسیده‌ام چه کاری می‌توانستم بکنم که نکردم؟ کار من به عنوان یک فیلمساز آگاهی‌بخشی بود ولی اجازه کار به من داده نشد. این در حالی است که مردم رسانه‌ها و هم ما به عنوان فیلمساز باید مدعی باشیم و وقتی بحرانی را در جامعه می‌بینیم، از آن صحبت کنیم اما همیشه همه چیز را در سکوت می‌گذرانیم، به‌ویژه در چند وقت اخیر که شرایط به حدی از بی‌انگیزگی رسیده که کسی دیگر پیگیر خیلی از مسائل نمی‌شود و من هم یکی از آن بی‌انگیزه‌ها هستم و امید ندارم.

درخشنده با اشاره به «هیس پسرها گریه نمی‌کنند» که هنوز پروانه ساخت ندارد و صادر نشدن مجوز آن در سال‌های اخیر او را بابت پیگیری تازه بی‌انگیزه کرده است، ادامه داد: من ۹ سال است که کار نکردام، چرا؟ یک نفر جواب این سوال مرا بدهد که چرا من نوعی نتوانستم پس از ۹ سال حتی یک فیلم بسازم آن هم در شرایطی که آماده کار بودم؟ باید پاسخ داده شود که در این سال‌ها برای سینمای کودک و نوجوان چه کرده‌ایم؟ برای نسل جدید چه کاری انجام داده‌ایم؟ نسلی که ما همیشه چند گام از آن‌ها عقب‌تر بوده‌ایم و روز به روز هم عقب‌تر می‌رویم در حالی که آن‌ها مدام رو به جلو حرکت می‌کنند. کارگردان «شمعی در باد» با اشاره به وجود شرایط نامطمئن برای کار در سینما گفت: ما مدام نگران این هستیم که زیر پایمان خالی شود در حالی که در برهه زمانی فعلی بخصوص بعد از جنگ ۱۲ روزه باید خیلی کار می‌کردیم و امکانات بیشتری در اختیار فیلمسازان قرار می‌گرفت. سینماگران با حمایت و کمک دولت باید برای کار دعوت می‌شدند ولی متأسفانه نمی‌دانم ما کجای این قصه هستیم؟

درخشنده که اواخر سال گذشته برای فیلمنامه‌ای با نام «مادر زمین» پروانه ساخت گرفت، در پایان این گفت‌وگو با یادآوری اینکه ساخت فیلم و کار کردن درباره یکسری موضوع‌ها به رويا تبدیل شده چون مشکلاتی در صدور مجوز وجود داشته است، گفت: سختی شرایط کار را به جایی رسانده که حتی اگر پروانه ساخت هم بگیري، هزینه تولید آنقدر زیاد شده که امکان ساخت وجود ندارد و با قیمت‌هایی که هر لحظه تغییر می‌کنند امنیت و ثباتی برای کار وجود ندارد که البته این‌ها بخشی از مشکلات فیلمسازیانی است که خانه‌نشین شده‌اند. در این وضعیت باید پرسید که این اوضاع قرار است به کجا برسد و چطور قابل کنترل است؟ سرانجام سینمای کودک چه می‌شود؟ آیا قرار است همه ما سراغ یک نوع خاصی از فیلمسازی برویم؟



آیا هنوز هم تصور می‌شود که با سکوت می‌توان واقعیت‌ها را نادیده؟

«ماچا» یک نوشیدنی است که تهدید اجتماعی را عامل تغییر فرهنگی نیست؛ در خوش‌بینانه‌ترین حالت ترندی زودگذر است که بالاخره موج استقبال از آن کاهش پیدا می‌کند، اما بررسی ترندهای مشابه در گذشته نشان می‌دهد که در شرایط خاص که مجرای ارتباطی بافت اجتماعی، پیامدهای مداوم چنین رویکرد «سکوت‌محوری» کاملاً مشهود است؛ فرصت برای تحلیل و آموزش از دست می‌رود، روایت‌ها در فضای غیررسمی شکل می‌گیرند و شکاف میان جامعه و نهادهای رسمی پررنگ‌تر می‌شود. در واقع، سکوت به جای کنترل پدیده، سبب تقویت جذابیت آن می‌شود و نقش رسانه در هدایت و روشنگری از بین می‌رود.

«ماچا» هم به جمع «اسمش را نبر»ها پیوست؟!

که مجری برنامه هم تأکید کرد: «ها که در کره مریخ زندگی نمی‌کنیم». جمله‌ای که نشان می‌دهد شاید حتی سیاست‌های رسانه‌ای هم تا حدی از این فضای نپرداختن به «اسمش را نبرها» فاصله گرفته باشد، اما برخی کارشناسان که اتفاقاً به دلیل رشته تحصیلی و ارتباط مداوم‌شان با مردم، انتظار می‌رود دیدگاه جامع‌تری نسبت به موضوعات ترند شده داشته باشند، هنوز دیدگاه‌های قدیمی خود را به قوت حفظ کرده‌اند. درحالی که تجربه‌های متعدد به‌ویژه هنگام ترند شدن موضوعات ساده، نشان می‌دهد که در عصر شبکه‌های اجتماعی، چنین رویکردی کارآمد نیست. سکوت نه تنها آگاهی‌دهنده نیست، بلکه اغلب کنج‌گاو و ذابیت موضوع را افزایش می‌دهد.

وظیفه کارشناس چیست؟

در این بین، دیدگاه مغفول مانده این است که کارشناسانی که در برنامه‌های تلویزیونی حضور پیدا می‌کنند، وظیفه دارند اطلاعات دقیق، تحلیل‌های علمی یا اجتماعی و آگاهی‌های لازم را در اختیار مخاطب قرار دهند. آنها می‌توانند با توضیح جوانب مختلف یک موضوع، انتخاب آگاهانه را برای بیننده ساده‌تر کنند. در چنین شرایطی، منع یا توصیه به سکوت درباره یک پدیده تازه، می‌تواند مخاطب را از فرصت تحلیل و آگاهی محروم کند. کارشناسان با حفظ تعادل میان تحلیل و هشدار، وظیفه دارند هم واقعیت‌ها را نشان دهند و هم پیامدهای احتمالی آن‌ها را توضیح دهند، نه اینکه با توصیه به نپرداختن به موضوع، جریان اطلاع‌رسانی را متوقف کنند.

آثار سیاست «سکوت‌محوری»

«ماچا» تنها یک مثال بسیار ساده است، در حالی که موضوع بعدی که ترند می‌شود، ممکن است متفاوت و حتی خیلی مهم باشد، اما پرسش اساسی این است: